

تب جنگ در خاورمیانه

آیا رهبران اسرائیل نجات خود را از بن بست کنونی در يك جنگ

جدید با اعراب جستجو میکنند ؟

در آخرین هفته ماه آبان تب جنگ جدیدی خاورمیانه را فراگرفت ، ارتش های عرب و اسرائیل بحال آماده باش درآمده اند ، خبرگزاریها از حرکت ناوهای جنگی شوروی به آبهای شرقی مدیترانه خبر دادند ، روزنامه های بزرگ جهان با عناوین درشت از وخامت اوضاع خاور میانه و فعالیت های شدید پیلما تیک برای جلوگیری از آغاز يك جنگ جدید در در این منطقه سخن گفتند . . . سرانجام در اواخر هفته بحران فرونشست ، بی آنکه دلائل آغاز آن بدرستی روشن شده باشد .

واقمیت امر این است که عوامل آغاز يك جنگ جدید در خاورمیانه قبل از بحران هفته آخر آبان بوجود آمده و پس از فرونشستن آن هم بجای خود باقی مانده است ، خطر وقوع پنجمین جنگ اعراب و اسرائیل ، که ممکنست خونین ترین ، وسیع ترین و خطرناکترین جنگ های اعراب و اسرائیل باشد خطری جدی است که ما نخستین بار دو ماه قبل آنرا عنوان

کردیم (۱) و با تحولاتی که طی دو ماه گذشته در منطقه عربی خاورمیانه صورت گرفته خطر وقوع چنین جنگی را نزدیکتر احساس میکنیم مگر اینکه جدی بودن خطر و نزدیکی آن قدرتهای بزرگ را به اشتراك مساعی و اقدامات اساسی و جدی تری برای جلوگیری از وقوع يك انفجار خطرناك تازه در این منطقه وادار سازد .

مسئله فلسطین و انزوای سیاسی اسرائیل

ده ماه قبل که نخستین قرارداد جداسازی نیروهای عرب و اسرائیل بین فرماندهان مصر و اسرائیل باضا رسید و بدنبال آن نیروهای اسرائیل تخلیه تمامی سرزمینهای اشغال شده در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ و قسمتی از مناطق اشغالی جنگ ژوئن ۶۷ را در دوسوی کانال سوئز آغاز کردند بنظر میرسد که عصر تازه ای در روابط اعراب و اسرائیل آغاز شده است . امضای قرارداد مشابهی بین سوریه و اسرائیل که با عقب نشینی نیروهای اسرائیل در جبهه

اسرائیل به سخنان وی هم بسردی استقبال شد. در بحث مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره فلسطین اکثریت نمایندگان بطرفداری از حق مردم فلسطین سخن گفتند و هنگامیکه نماینده اسرائیل در پاسخ هر يك در صدد ایراد نطق جوابیه ای بر آمد حق سخن گفتن او را محدود ساختند.

باین ترتیب مجمع عمومی ملل متحد در محیطی آکنده از احساسات مخالف اسرائیل تشکیل شد و قطع نامه این مجمع هم که تازو تحریر این مطالب بتصویب نرسیده بطور قطع در تایید حق مردم فلسطین و محکومیت اسرائیل در ادامه اشغال سرزمین های اعراب خواهد بود.

هنری کی سینجر وزیر امور خارجه امریکا در سفری که در فاصله تشکیل کنفرانس رباط و آغاز بحث مسئله فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به خاورمیانه نمود سعی کرد نظرات اعراب و اسرائیل را در مسائل مورد اختلاف یکدیگر نزدیکتر کند و رهبران اسرائیل را به قبول واقعیت وجود ملت فلسطین و قبول اصل مذاکره با نمایندگان آنها وادار سازد، اما تلاش کی سینجر در این سفر نتایجی را که مورد انتظار او بود بیار نیاورد: مصر حاضر به امضای موافقتنامه جدیدی با اسرائیل نشد و اسرائیل بهیچوجه زیر بار شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین و دربرو شدن با نمایندگان این سازمان در کنفرانس ژنو نرفت. تنها موقعیتی که ظاهراً در این سفر نصیب کی سینجر شده امکان تمديد ماموریت نیروهای صلح سازمان متحد در خاور میانه برای ششماه دیگر است، که موافقت سرد به با آن هنوز هم قطعی بتظر نمی رسد.

ناکامی کی سینجر در ماموریت اخیر خاور میانه و تشدید خطر جنگ در این منطقه معلول دو علت اساسی است: اعراب که احساس میکنند

جولان همراه بود این امید را تقویت کرد، اما بدنبال امضای این موافقتنامه ها واستقرار نیروهای ملل متحد در صحرائ سینا و ارتفاعات جولان جنگ تبلیغاتی بین اعراب و اسرائیل از سر گرفته شد و تاکید اعراب بر لزوم تخلیه باقیمانده سرزمینهای اشغال شده از طرف اسرائیل و پافشاری اسرائیل در حفظ قسمتی از این اراضی و تغییر مرزهای قبل از جنگ ژوئن ۶۷ تلاش در راه تجدید فعالیت کنفرانس ژنو و اقدامات بعدی در جهت برقراری صلح در خاور میانه را باین بست مواجه ساخت.

از سوی دیگر مسئله فلسطین و آینده فلسطینی ها نیز که در مراحل اولیه مذاکرات صلح خاور میانه در درجه دوم اهمیت قرار گرفته بود با تشدید فعالیت سازمان آزادی بخش فلسطین در نیمه اول سال ۱۹۷۴ بصورت مهمترین مسئله در روابط آینده اعراب و اسرائیل درآمد و شناسایی این سازمان بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین از طرف رهبران کلیه کشورهای عرب (منجمله ملک حسین که تا تشکیل کنفرانس سران عرب در رباط حاضر به شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین نبود) وضع و موقع این سازمان را بکلی تغییر داد. دعوت نمایندگان جبهه آزادی بخش فلسطین برای شرکت در بحث مسئله فلسطین در بیست و نهمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد بمنزله شناسایی این سازمان از طرف سازمان ملل بود و استقبالی که از یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین در مجمع عمومی سازمان بعمل آمد با رسوم و تشریفات که برای پذیرائی از يك رئیس دولت بعمل می آید تفاوتی نداشت.

نطق یاسر عرفات در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بمنزله ادعا نامه ای از طرف مردم فلسطین علیه اسرائیل بود، و پاسخ نماینده

اعراب پیشنهاد میکنند تخلیه بقیه سرزمینهای اشغالی اعراب با استثنای بیت المقدس و بعضی مناطق حساس سواحل الجیشی مانند ارتفاعات جولان و شرم الشیخ و قسمتی از ساحل غربی رود اردن در ازاء شناسائی رسمی اسرائیل از طرف اعراب میباشد، که کلیه رهبران کشورهای عرب از جمله سادات که یکی از مستدلترین آنها بشمار می آید مخالفت خود را با قبول چنین شرایطی اعلام داشته اند. در باره مسئله فلسطین هم اسرائیلیها ضمن مخالفت با هر گونه تماس و مذاکره با سازمان آزادی بخش فلسطین از ارائه یک راه حل مثبت و عملی برای حل این مشکل خودداری میکنند و پیشنهاد اخیر یاسر عرفات درباره تشکیل یک حکومت واحد فلسطینی از اعراب و یهودیان و مسیحیها، نقشه تازه ای برای نابود ساختن اسرائیل تلقی شده است.

جنگ پنجم اعراب و اسرائیل و مسئله نفت.

با شرایطی که بوجود آمده و عدم امکان سازش اعراب و اسرائیل بر سر مسئله فلسطین و تخلیه بیت المقدس و باقیمانده سرزمینهای اشغالی اعراب از طرف اسرائیل، بسیاری از ناظران سیاسی وقوع پنجمین جنگ اعراب و اسرائیل را اجتناب ناپذیر میدانند. تلاشهای دیپلماتیک و اعمال فشار قدرتهای

بزرگ در چنین شرایطی فقط می تواند وقوع جنگ آینده اعراب و اسرائیل را بتعمیق بیندازد زیرا نه آمریکا میتواند اسرائیل را به قبول شرایطی چون شناسائی جبهه آزادی بخش فلسطین و تخلیه تمامی سرزمینهای اشغال شده اعراب و ادارا سازد و نه شوروی دارای چنان نفوذ قدرتی در جهان عرب میباشد که اعراب را از آغاز یک جنگ جدید برای پس گرفتن اراضی اشغال شده و احقاق حق مردم فلسطین بازدارد.

از نظر بین المللی در موقیعت بهتر و محکمتری قرار گرفته اند دیگر حاضر به دادن امتیازی برای صلح با اسرائیل نیستند و اسرائیل که در موقیعت ضعیف تری قرار گرفته و عامل زمان را به زیان خود تشخیص میدهد آغاز یک جنگ جدید را با هدف های معین نابودی ماشین جنگی اعراب و اشغال قسمت های بیشتری از سرزمینهای اعراب بپنفع خود می داند.

بسیاری از رهبران اسرائیل و کارشناسان نظامی آن کشور بر این عقیده اند که در صورت ادامه وضع فعلی، کشورهای عرب با حمایت شوروی و استفاده از کمکهای مالی کشورهای عربی ساد رکنده نفت روز بروز بر قدرت نظامی خود خواهند افزود و سازمان آزادی بخش فلسطین هم با موقیعت بین المللی تازه ای که بدست آورده با حمایت کشورهای دیگر عرب بروست عملیات خود در داخل اسرائیل خواهد افزود. از سوی دیگر مزایای قرارداد های جداسازی نیروهای اسرائیل با مصر و سوریه نیز که پایان حالت آماده باش جنگی اسرائیل و آزادی قسمتی از نیروهای نظامی این کشور برای تجدید فعالیت در جهت احیاء اقتصاد جنگ زده اسرائیل بود عملاً از میان رفته و در برابر وضع تهدید آمیزی که نیروهای ممالک عرب، بویژه سوریه در پیش گرفته اند اسرائیل ناچار است نیروهای خود را در یک حالت آماده باش دائمی نگاهدارد.

اسرائیلیها به امکان تجدید فعالیت کنفرانس ژنو و مذاکرات آینده صلح با اعراب هم امید ندارند، زیرا دوش شرط اصلی اعراب برای اتمام این مذاکرات یعنی شناسائی سازمان آزادی بخش فلسطین از طرف اسرائیل و تخلیه کلیه اراضی اشغالی اعراب برای اسرائیل قابل قبول نیست. حداکثر امتیازی که عناصر مستدل اسرائیل برای مصالحه با

که بر اثر افزایش قیمت نفت بین آمریکا و کشورهای صادرکننده نفت برود کرده است، بمقیده بعضی از مفسران مطبوعات غربی آمریکا برای گرفتن امتیازاتی از کشورهای عرب در باره نفت و مصونیت در برابر خطر تحریم نفتی جدید اعراب مانند گذشته از اسرائیل حمایت نخواهد کرد، در حالیکه برخی دیگر نظر کاملاً متفاوتی ابراز کرده و میگویند جنگ پنجم اعراب و اسرائیل ممکنست بهانه مناسبی برای مداخله آمریکا بمنظور حفظ منافع نفتی آمریکا در بعضی از کشورهای عربی فراهم آورد.

احتمال مداخله نظامی آمریکا در کشورهای نفت خیز عربی نخستین بار پس از نطق های تهدیدآمیز جرالد فورد و کی سینجر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد، ولی با واکنش تند کشورهای صادرکننده نفت مقامات رسمی آمریکا قصد مداخله نظامی در کشورهای تولیدکننده نفت را تکذیب کردند و کارشناسان نظامی و سیاسی غرب هم درباره احتمال ترم بخش بودن چنین مداخله ای اظهار تردید نمودند. از طرف دیگر مداخله نظامی در کشورهای صادرکننده نفت با هیچیک از اصول و موازین حقوق بین المللی و منشور ملل متحد مطابقت ندارد، مهذا برخی از ناظران سیاسی و مفسرین مطبوعات عربی بیم آنرا دارند که يك جنگ جدید بین اعراب و اسرائیل بهانه ای برای مداخله در کشورهای نفت خیز عربی بسندت آمریکاییها یدهد، در حالیکه پیش بینی میشود چنین اقدامی از طرف آمریکا با واکنش های شدیدی که در سطح جهانی ببار خواهد آورد برای آمریکا و همه کشورهای مصرف کننده نفت بسیار گران تمام شود.

اما سئوالی که در این میان مطرح میشود این است که پنجمین جنگ اعراب و اسرائیل چه نتایجی ببار خواهد آورد؟ آیا اعراب و اسرائیل در پایان يك جنگ بزرگ دیگر، که به احتمال قوی ابعادی گسترده تر و خسارات و تلفاتی سنگین تر از جنگهای گذشته خواهد داشت میتوانند در شرایطی بهتر از امروز برای حل اختلافات خود روبرو شوند، یا این جنگ با دخالت احتمالی آمریکا و شوروی مشکلات کنونی را پیچیده تر و وحل اختلافات اعراب و اسرائیل را دشوارتر خواهد ساخت؟

قد معلوم این است که اسرائیل این بار با آمادگی بیشتر و تجهیزات کاملتر و مدنتری وارد جنگ خواهد شد و تاکتیک های جنگ برق آسای ژوئن ۱۹۶۷ را با استفاده از تاجراب جنگ اکتبر ۷۳ دوباره بکار خواهد گرفت. جنگ تازه با احتمال قوی از بلندبهای جولان آغاز خواهد شد، زیرا اسرائیل از سیاست رهبران سوریه و تجهیزاتی که دولت شوروی طی یکسال گذشته در اختیار دمشق قرار داده بیش از اسادات و ارتش او بیمناک است. برای مقابله با تجهیزات مدرن ارتش سوریه و موشک های سام ۷۶ و هواپیما های میک - ۲۳ آن کشور اسرائیل سلاحهای کاملاً مدرنی از آمریکا دریافت داشته که از آنجمله بمب های هدایت شونده با اشعه لیزر میباشد و کارشناسان نظامی اذ هم اکنون بدون توجه به تلفات سنگین و عواقب خطرناک جنگ آینده اعراب و اسرائیل از ارزش و اهمیت نظامی این جنگ از لحاظ آزمایش سلاحهای جدید آمریکا و شوروی در برابر یکدیگر سخن میگویند.

عامل بسیار مهم دیگری که در تعیین سر نوشت جنگ احتمالی آینده اعراب و اسرائیل مستقیماً اثر خواهد گذاشت مسئله نفت و اختلافاتی است